

والدین به تنهایی برای والد بودن کافی نیستند

دنیای امروز برای والدین، زمین بازی متفاوتی است، جایی که شبکه‌های اجتماعی، هوش مصنوعی و انبوهی از انتظارات بی‌پایان، تربیت فرزند را از یک مسیر طبیعی به یک چالش تمام‌عیار تبدیل کرده‌اند. امروزه والدین در پیچیدگی‌های عصر جدید، خود را تنها و بی‌دفاع می‌بینند و برای عبور از این بحران، نیازمند بازتعریف حقوقی، حمایت‌های دولتی و مسئولیت‌پذیری نهادهای اجتماعی هستند. محمدمهدی سیدناصری، حقوقدان و پژوهشگر حقوق بین‌الملل کودکان، در گفت‌وگو با ایرنا، به چرایی این تغییرات بنیادین و مسئولیت‌های حاکمیت در قبال خانواده‌ها می‌پردازد.

وقتی خانواده دیگر به تنهایی کافی نیست
سیدناصری معتقد است: والدگری در قرن بیست و یکم،
پیش از آنکه به انتقال تجربه نسل‌های گذشته شباهت داشته
باشد، به تصمیم‌گیری مستمر در برابر چالش‌هایی تبدیل
شده که بسیاری از آن‌ها تا چند دهه پیش اساساً وجود
نداشتند. اینترنت، شبکه‌های اجتماعی، هوش مصنوعی،

آموزشی کارآمد، خدمات سلامت روان، سیاست‌های حمایت از خانواده، مراقبت از کودکان، محیط دیجیتال ایمن، آموزش والدگری و حمایت از تعادل میان کار و زندگی نیز می‌شود. به‌این‌دلیل، حقوق بین‌الملل والدگری از یک مسئولیت خصوصی صرف نمی‌داند بلکه آن را مسئولیتی اجتماعی می‌داند که بدون حمایت دولت، تحقق کامل آن ممکن نیست.

مسئولیت دولتها در برابر والدگری نوین

این حقوقدان معتقد است با پیچیده شدن شرایط تربیت فرزند در دنیای امروز، تعهدات دولتها نیز باید بازنگری شود. از نظر او، حمایت از والدین دیگر به اعطای مرخصی زایمان یا کمک‌هزینه‌های مالی محدود نمی‌شود؛ بلکه دولتها می‌توانند با رویکردی جامع، از خانواده‌ها حمایت کنند.

این حمایت‌ها باید شامل ارتقای سواد دیجیتال والدین، ایجاد بسترهای امن برای کودکان در فضای مجازی و گسترش خدمات سلامت روان برای خانواده‌ها باشد. علاوه بر این، ایجاد سیاست‌های سازگار با ساختار خانواده در



محیط‌های کاری و تضمین دسترسی برابر کودکان به آموزش و خدمات حمایتی، از دیگر ضرورت‌هایی است که دولت‌ها باید به آن توجه کنند. به باور این کارشناس، این اقدامات نه یک امتیاز اجتماعی، بلکه بخشی از تعهدات بین‌المللی در راستای اجرای کنوانسیون حقوق کودک و اسناد حقوق بشری است.

والدگری امروز مسئولیتی مشترک است
دکتر محمدمهدی سیدناصری این تصور که والدین به تنهایی مسئول همه ابعاد رشد و تربیت کودک هستند را با واقعیت‌های قرن بیست و یکم سازگار نمی‌داند و معتقد است: پیچیدگی‌های جهان معاصر، والدگری را به مسئولیتی تبدیل کرده است که تحقق موفق آن نیازمند همکاری خانواده، دولت، نظام آموزشی، جامعه مدنی و حتی شرکت‌های فناوری است.

از این رو، این پرسش که چرا والد بودن از همیشه سخت‌تر شده است؟ نباید صرفاً به گالایه‌ای اجتماعی تقلیل یابد. این پرسش، در حقیقت، ما را به بازاندیشی در مفهوم مسئولیت مشترک در قبال کودک فرامی‌خواند، مفهومی که حقوق بین‌الملل نیز بر آن تأکید دارد. هر اندازه جهان کودکان پیچیده‌تر می‌شود، وظیفه دولت‌ها در حمایت از خانواده‌ها نیز گسترده‌تر خواهد شد. در نهایت، کیفیت آینده هر جامعه نه فقط به توانایی والدین، بلکه به میزان تعهد آن جامعه به حمایت از والدین در ایفای این مسئولیت بنیادین بستگی دارد.

تغییر الگوهای آموزشی، فشارهای اقتصادی، کاهش تعاملات اجتماعی و تغییر ساختار خانواده، همگی مسئولیت والدین را پیچیده‌تر از هر زمان دیگری کرده‌اند. از این منظر، دشوار شدن والدگری صرفاً یک احساس شخصی نیست و بازتاب دگرگونی عمیق مناسبات اجتماعی و حقوقی می‌باشد.

متفاوت بودن فضای زندگی کودکان امروز با والدین دیروز

این فعال حقوق کودکان یکی از مهم‌ترین دلایل دشوار شدن والدگری را شکاف بی‌سابقه میان تجربه والدین و تجربه کودکان می‌داند. تقریباً هیچ نسل دیگری در تاریخ با چنین سرعتی از تحول فناوری روبه‌رو نبوده است. والدین امروز باید درباره مسایلی مانند مدیریت زمان استفاده از تلفن همراه و شبکه‌های اجتماعی گرفته تا حفاظت از داده‌های شخصی، پیشگیری از آزار اینترنتی، مواجهه با محتوای مضر، آموزش سواد رسانه‌ای و حتی تعامل کودک با سامانه‌های هوش مصنوعی تصمیم بگیرند که خود هرگز در کودکی با آن‌ها مواجه نشده‌اند. این شکاف نسلی، اقتدار سنتی والدین را نیز دگرگون کرده است. در بسیاری از موارد، کودک از فناوری آگاه‌تر از والدین است و همین امر، الگوی کلاسیک انتقال دانش از والد به فرزند را معکوس کرده است.

فشار روانی والدین برای یک والد کامل بودن

این استاد دانشگاه معتقد است: والدگری امروز تنها شواستر نشده، بلکه سنگین‌تر نیز شده است. جامعه از والدین انتظار دارد که هم‌زمان نقش مربی، روان‌شناس، معلم، متخصص تغذیه، مشاور رسانه، ناظر فضای مجازی و حتی برنامه‌ریز آینده شغلی کودک را ایفا کنند. شبکه‌های اجتماعی نیز این فشار را تشدید کرده‌اند. نمایش مداوم والدگری کامل و کودک ایده‌آل باعث شده بسیاری از والدین احساس کنند همواره در حال عقب ماندن از استانداردهای غیر واقعی هستند. در نتیجه، دلبستگی بیش از گذشته با اضطراب، احساس گناه و فرسودگی روانی همراه شده است.

دولت پشতوانه والدين در تربيت فرزندان

سيدنصاری در ادامه به جنبه حقوقی تربيت فرزندان پرداخت و گفت: تمام اين مشکلاتی که خانواده های امروزی با آن مواجه هستند موجب می شود که بحث تربيت فرزندان رنگ حقوقی پیدا کند. کنوانسیون حقوق کودک، مسئوليت رشد و تربيت کودک را صرفاً بر دوش والدين قرار نداده است. ماده ۱۸ اين کنوانسیون تصريح می کند که والدين مسئوليت اوليه تربيت کودک را بر عهده دارند، اما دولت ها موظفاند حمايت لازم را برای ایفای اين مسئوليت فراهم کنند. اين حمايت تنها به کمک های مالی محدود نمى شود، بلکه شامل ایجاد نظام های

خلافت می‌نامد و می‌گوید که هدفش از نوشتن این داستان‌ها تشویق کودکان به خلق آثار هنری بدون ترس از قضاوت شدن و تلاش برای بی‌عیب و نقص بودن است. رد پای این دغدغه را می‌توان در دیگر آثار پتر رینولدز نیز جست‌وجو کرد. داستان کودکان هنرمندی که به توانایی خود شک می‌کنند و پس از ناامیدی و سرخوردگی از استعداد خودشان با روزنه‌ی امیدی در روند خلق هنری مواجه می‌شوند و اعتماد به نفس خود را بازمی‌یابند، برای خوانندگان پتر رینولدز ناآشنا نیست. در حقیقت رینولدز گفته که معنای زندگی‌اش را در هدایت کردن هنرمندان کوچک سر درگم به مسب زندگی‌شان می‌باید.

بخشی از کتاب: زامون بعد از چند روز نقاشی کشیدن و یک عالمه کاغذ میچاله کردن، مدادش را گذاشت کنار و گفت: «ولش کن، فایده‌ای ندارد!»
خواهر کوچولویش، ماریسول، داشت نگاهش می‌کرد.

رامون داد زد: «چیه؟ چی می‌خواهی؟»
 ماریسول گفت: «داشتم نقاشی کشیدن را تماشا می‌کردم.»

رامون پوزخند زد و گفت: «من نقاشی نمی‌کشم. برو پی کارت!»

ماریسول به‌دو از پیش رامون رفت، اما قبل از اینکه از اتاق برود بیرون، یکی از کاغذهای مجاله‌شده را از روی زمین برداشت.

رامون فریاد زد: «آهای، برگرد ببینم. کاغذم را پس بده.» و دنبال ماریسول توی اتاقش دوید.

نتایج ترسناک از اسکن‌های جدید مغز نوجوانان

اسکن‌های جدید مغز، نتایج ترسناک از صدمات مغزی نوجوانانی را نشان می‌دهد که از تلفن‌های هوشمند بسیار استفاده می‌کنند. درضمن مغز نوجوانان به شبکه‌های اجتماعی به‌طور متفاوتی واکنش نشان می‌دهد. به گزارش خبرآنلاین، والدین برای آموزش فناوری به کودکان‌شان، ابزارهای مختلفی، از جمله تلفن هوشمند تهیه می‌کنند تا آنها را برای زندگی در دنیای امروز آماده کنند. درواقع کودکان از دوران ابتدایی‌شان به بعد از انواع گجت‌ها و البته تلفن هوشمند استفاده می‌کنند. اما اگر والدین بدانند تلفن‌های هوشمند چه اثری روی مغز فرزندان‌شان، به‌ویژه نوجوانان، می‌گذارند، کمتر به فکر خرید این دستگاه‌ها برای آنها می‌افتند.

بنابه گفته دانشمندان، از آنجایی که مغز نوجوانان در حال رشد است، آنها به تلفن‌های خود وابسته و معتاد می‌شوند و استفاده بیش از حد از این ابزارها، موجب تغییر رفتارهای فاحش در آنها می‌شود. در این مرحله از زندگی نوجوانان، قشر پیش‌پیشانی مغز که در اصل «سیستم کنترل مغز» است، هنوز در روند رشد قرار دارد و تکمیل نشده است و به همین دلیل کنترل رفتار در آنها مشکل است. مغز نوجوانان، وقتی مشغول ورق زدن مطالب رسانه‌های اجتماعی، مانند تیک‌تاک یا اینستاگرام است به لحظات لذت‌بخش آن واکنش نشان داده و نوجوانان را وادار به ادامه تماشای مطالب مختلف آن می‌کند. اما مغز افراد بزرگسال به‌دلیل اینکه رشد کامل داشته است می‌تواند بفهمد، مشاهده مطالب موجود در رسانه‌های اجتماعی را چه زمانی باید متوقف کند. اما مغز کودکان و نوجوانان هنوز به این برنامه‌ریزی دست پیدا نکرده است و خیلی راحت به این ابزارها وابسته می‌شود. بدین‌ترتیب نوجوانان از زندگی واقعی لذت نمی‌برند و برای دریافت دوپامین، هورمون شادی، به سراغ شبکه‌های اجتماعی می‌روند. نوجوانان وقتی به‌سراغ تلفن هوشمند و شبکه‌های اجتماعی می‌روند، بخش‌هایی از مغز که در ارائه پاداش نقش دارند، فعال می‌شوند.

[illegible]